

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: ۷۸۸۶۴ Article Cod: ۲۰۱۹S۳D۱۲SH۳M ISSN-P: ۲۰۳۸-۳۷۰۱

امکان سنجی جرم انگاری خودکشی و خودزنی در حقوق
کیفری ایران

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۵/۲۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۹/۱۵

سید مجتبی موسوی

کارشناسی ارشد حقوق و مدرس دانشگاه

چکیده

امروزه یکی از آسیب‌های مهم اجتماعی، «خودکشی» است. رشد فردگرایی، صنعتی شدن و تضعیف همبستگی‌های اجتماعی، از جمله عوامل مهم خودکشی است. کاهش نقش دین و کارکرد اعتقادات مذهبی در دنیای معاصر موجب افزایش آمار خودکشی در جوامع مختلف شده است. البته عواملی مانند فقر، فشار زندگی، امراض روانی، تنهایی و... نیز هر کدام به نوبه خود بر این پدیده اثر گزار می باشد. علاوه بر خودکشی که فرد قصد نابود کردن خود را دارد، اقدام فرد در خودزنی منجر به جرح با نیت اعتراض به وضعیت موجود و فرار از مقررات و شرایط سخت خدمتی و یا رسیدن به هدف مشخص انجام می گیرد و در این شکل، جرم محسوب می شود. با توجه به اهمیت کارایی و حساسیت کارکرد نیروهای مسلح کشور، بررسی علمی علل و انگیزه‌ها و کشف زمینه‌های ارتکاب جرم خودزنی به عنوان یکی از جرایم مهم در نیروهای مسلح و همچنین ارائه راهکارهای مؤثر اجرایی و کاربردی در خصوص جلوگیری و یا کاهش آن، امری ضروری و حیاتی می باشد و از اهداف اصلی این پژوهش بشمار می رود. آنچه که در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد مطالعه امکان جرم انگاری خودکشی و خودزنی در حقوق کیفری ایران است.

واژگان کلیدی: خودکشی، خودزنی، جرم انگاری، اتانازی، قتل



بخش اول: کلیات

خودکشی نوعی قتل نفس همراه با وحدت قاتل و مقتول است. انتحار از دیدگاه اسلام حرام بوده و ادله آن شامل کتاب، سنت و اجماع است و برای مرتکب، کیفر اخروی وعده داده شده است. معاونت در خودکشی نیز از دیدگاه حقوق جزای اسلام، اعانت بر اثم، محسوب می شود و مرتکب آن مستوجب تعزیر است. در حقوق جزای ایران، خودکشی و شروع به آن جرم نیست و از آنجا که قانونگذار ایران از نظریه «مجرمیت عاریه‌ای» استفاده کرده است، معاونت در خودکشی هم جرم نبوده و قابل کیفر نیست. از نظر حقوق کیفری، خودکشی در زمره قتل‌ها قرار می‌گیرد. این نوع قتل که انتحار هم نامگذاری می‌شود، زمانی به وقوع می‌پیوندد که مرتکب جرم یا قاتل، مفعول جرم یا مقتول باشد. به عبارت فقهی هر گاه منجی علیه یا بزه دیده قتل، خود قاتل باشد، خودکشی حادث شده است. اسلام خودکشی را گناهی نابخشودنی دانسته و آن را در زمره گناهان بزرگ قرار داده و مرتکب آن را مستوجب عقاب و کیفر اخروی می‌داند. با توجه به اینکه در قرآن و روایات و احادیث به عنوان دو رکن قابل استناد در حقوق اساسی ما، بارها خودکشی را مذمت کرده و آن را گناهی بزرگ و مستوجب عذاب دانسته است، می‌توان گفت اجماع در خودکشی با توجه به اینکه در کتاب و سنت دلیلی برای اثبات حکم آن وجود دارد، از نوع اجماع مدرکی است و از نظر علما و فقهای دینی خودکشی امری غیر قانونی است. خودکشی یا خودزنی در قوانین ایران، جرم شناخته نشده است. در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ شمسی و اصلاحات آن در ۱۳۵۲، خودکشی جرم نبود و راجع به خودکشی، شروع به خودکشی یا معاونت و مشارکت در خودکشی، مجازاتی پیش‌بینی نشده بود. در حال حاضر نیز در قوانین جزایی ایران خودکشی یا شروع به آن جرم نیست؛ چرا که اعمال کیفر نسبت به خودکشی کننده، جنبه پیشگیری ندارد و هر نوع عکس العمل قانونی، به بستگان فرد خودکشی کننده لطمه مادی و معنوی می‌زند. اما از غیر قابل مجازات بودن خودکشی نباید نتیجه گرفت که دیگر صدمات بدنی که کسی به انگیزه خاص، به خود وارد می‌کند، مانند کسی که برای فرار از خدمت و وظیفه عمومی عضوی از بدن خود را ناقص کند، قابل مجازات نیست، بلکه این نوع صدمات شخصی بدنی به عنوان عمل مجرمانه، ممنوع و قابل مجازات هستند. قانون مجازات جرایم رایانه‌ای خودکشی به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای و



مخابراتی، جرم دانسته است و طبق بند «ج» ماده ۱۶ این قانون، «هرکس از طریق سیستم رایانه‌ای یا مخابراتی برای ارتکاب جرایم وانحرافات جنسی یا دیگر جرایم یا خودکشی یا استعمال مواد روان گران، اشخاص زیر ۱۸ سال تمام را آموزش داده، یا تبلیغ یا تحریک یا تهدید یا تشویق یا دعوت کرده یا فریب دهد، یا طریق ارتکاب یا استعمال آنها را تسهیل کند، یا آموزش دهد، به حبس از ۹۱ روز تا یک سال یا جزای نقدی از دو میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۱۰ میلیون ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.» در این مقاله برآنیم تا به بررسی امکان جرم انگاری خودکشی و خودزنی در حقوق کیفری ایران، پردازیم.

بند اول: خودکشی

امیل دورکیم^۱ در اثر معروف خود به نام خودکشی آن را پدیده‌ای اجتماعی به شمار آورده و چنین تعریف می‌کند: خودکشی عبارت است از هر نوع مرگی که نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم کردار منفی یا مثبت قربانی کردن خویش ناشی می‌شود به گونه‌ای که قربانی خود می‌داند آن عمل این نتیجه را به بار خواهد آورد^۲. منظور دورکیم در این تعریف از مرگ مستقیم عملی است که مستقیماً به مرگ شخص منجر می‌شود مانند حلق آویز کردن و مرگ غیر مستقیم عملی است که به طور غیر مستقیم مرگ شخص را به دنبال خواهد داشت مانند ترک نکردن خانه‌ای که در میان شعله‌های آتش در حال سوختن است و منظور از اعمال مثبت و منفی اعمالی هستند که از طریق اقدام عملی شخص مانند شلیک گلوله به خود و یا عملی مانند اعتصاب غذا که مرگ را به دنبال دارد به وجود می‌آیند^۳.

بند دوم: خود زنی

خودزنی رفتاری است که فرد به وسیله آن صدمات جسمانی به خود وارد می‌کند. از قبیل بریدن رگ‌های دست، پا، خراشیدن قسمت‌های مختلف بدن به وسیله اشیای برنده^۴.

^۱ - Émile Durkheim.

^۲ - سالار زاده، نادر، خودکشی دورکیم، انتشارات دانشگاه علامه، ۱۳۹۳، ص ۳۹.

^۳ - نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جزوی جامعه‌شناسی دوره ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴، ص ۳۸.

^۴ - شاه پوری، حمید رضا، رفتارهای خودزنی و وسواس گونه در بیماران مبتلا به اختلال شخصیت مرزی، پزشکی قانونی، ۱۳۸۵، شماره ۴۱، ص ۲۶.



خودزنی، نوعی بیماری رفتاری بالقوه است و این رفتار عکس‌العملی در مقابل محرک‌هاست و فرد با انجام این عمل خواهان ارتباط با دیگران است تا به نوعی مورد توجه قرار گیرد و در واقع نوعی جنبه آشکار سازی فشار درون است. چنین حالاتی در اسکیزوفرنی، افسردگی و اختلال شخصیت مشاهده می‌شود. این رفتار ممکن است در تمام سنین و به خصوص در سنین نوجوانی ظاهر شود. در واقع خودزنی یکی از نشانه‌های اختصاصی اختلال شخصیت مرزی است. در برخی افراد مبتلابه اختلال شخصیت مرزی موجب می‌شود که احساس کنند «وجود دارند».

بند سوم: اتانازی

اتانازی عبارت است از «جامه عمل پوشیدن به تصمیم فرد برای پایان دادن به حیات خود» در حالی که امکان حیات وجود دارد و همچنین پایان بخشیدن به زندگی یک بیمار صعب‌العلاج با هدف رهایی وی از درد و رنج بیماری که حسب تقاضای خود بیمار و یا درخواست هر شخص واجد صلاحیت دیگری، تحت نظارت کادر پزشکی صورت می‌گیرد.^۱ کمیته مجلس سنای آمریکا که برای اطلاع‌رسانی به مجلس راجع به اتانازی و کمک به خودکشی معین شده بود اتانازی را چنین تعریف کرده: «عمل عمدی انجام گرفته به وسیله‌ی یک فرد با هدف پایان دادن به زندگی فرد دیگر، برای ختم رنج او، در صورتی که آن عمل، عامل مرگ او باشد».^۲

بخش دوم: رویکردهای مختلف نسبت به خودکشی

بند اول: رویکرد روان‌شناختی

این رویکرد افراد متمایل به خودکشی را به هر حال بیمار روانی و همین بیماری را علت خودکشی آن‌ها می‌داند. در هر حال بیشتر روان‌کاوان علت خودکشی را افسردگی، اضطراب،

^۱ - لاریجانی، باقر، پزشک و ملاحظات اخلاقی، مروری بر مبنای اخلاق پزشکی، جلد اول، انتشارات برای فردا، تهران،

۱۳۸۳، ص ۵۲.

^۲ - لاریجانی، باقر، پیشین، ۱۰۰.

ناامیدی و سرخوردگی شدید یا تجربه‌های تلخ دوران کودکی تلقی می‌کنند. نظریه پرخاشگری یا تنبیه روانی معتقد است که تنبیه روانی (مانند اینکه به بچه بگویند که دوست ندارم، با او صحبت نکنند و تقصیر کاری را به گردن او بیندازند) منجر می‌شود که این گونه از افراد در بزرگسالی، زمانی که با ناکامی مواجه و آماده انجام کنش پرخاشگرانه شوند خودکشی را انتخاب کنند. شواهد پژوهشی چندی نشان داده که محدودیت بیرونی ضعیف و یا تنبیه روانی در صورتی منجر به خودکشی افراد می‌شود که آسیب‌دیدگان از محرومیت و تنبیه، برای مشکلات زندگی، خود را سرزنش کنند و نه دیگران را.^۱

بند دوم: رویکردهای جامعه‌شناختی

الف) رویکرد سوسیوژنیک (جامعه‌شناسی): از دیدگاه این رویکرد، خودکشی کنش پرخاشگرانه ناشی از ناکامی است. این نظریه مدعی است که افرادی که به شدت دچار ناکامی شده‌اند، اگر محدودیت بیرونی ضعیفی را تجربه کرده باشند کنش پرخاشگرانه خودگرا (درون‌گرا) یعنی خودکشی و اگر از محدودیت بیرونی قوی رنج کشیده باشند، کنش پرخاشگرانه دیگرگرا (برون‌گرا) یعنی دیگرکشی را انتخاب می‌کنند.^۲

ب) رویکرد دورکیم: وی برای توضیح اینکه چرا برخی دست به خودکشی می‌زنند و برخی به این کار اقدام نمی‌کنند، به تفاوت‌های فردی که در انگیزه شخصیت، میزان افسردگی یا سلامت روانی افراد وجود دارد، توجهی نکرد. بلکه معتقد بود که تبیین خودکشی باید برحسب علل اجتماعی آن صورت گیرد.^۳ دورکیم معتقد بود که عامل اصلی و عمده‌ای که به زندگی ما هدف و معنا می‌بخشد، حدود تعلق و ارتباط ما با جامعه است. در غیر این صورت هر چیزی ممکن است دستاویزی برای خلاص شدن از شر زندگی شود. وی علت خودکشی را ارتباط و انسجام اجتماعی اعلام کرد. او مدعی شد که شفاف‌بخش‌ترین نوع انسجام اجتماعی در حد میانه طیف تعلق بسیار زیاد و تعلق بسیار کم به گروه قرار دارد. تعلق بسیار زیاد فرد به گروه، جایی

^۱ - صدیق سروستانی، رحمت‌الله؛ آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، سمت، ۱۳۸۷، چاپ دوم، ص ۱۳۹.

^۲ - صدیق سروستانی، رحمت‌الله، پیشین، ص ۱۳۹.

^۳ - استونز، راب؛ متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، مهرداد میردامادی، تهران، مرکز، ۱۳۸۸، چاپ ششم، ص ۸۱.



برای پرداختن به زندگی فردی، جدای از زندگی گروهی باقی نمی‌گذارد و تعلق بسیار کم به گروه نیز او را از حمایت‌های گروه محروم می‌سازد. از نظر دورکیم هر انسانی یک هوموداپلکس^۱ است؛ یعنی دارای شخصیتی دویخشی است یکی خود کاملاً شخصی، که شامل جسم، اندیشه و احساسات و عواطف است و دیگری وجدان جمعی، که مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و اخلاقیات مشترک این افراد است.^۲

ج) رویکرد هنری و شورت: از دیدگاه آنان خودکشی یک نوع پرخاشگری علیه خویش است که به وسیله بعضی از موقعیت‌هایی که شخص در آن‌ها تنزل منزلت پیدا کرده به وجود می‌آید، و شخص علت این تنزل را در خودش می‌داند. عجز و ناتوانی شخص از ترقی و بالا رفتن از نردبان منزلت در مقایسه با کسان دیگری که از نظر منزلت و پایگاه در ردیف او قرار داشته‌اند، یک علت ولی نه تنها علت مهم سقوط و تنزل شخص است که باعث ایجاد پرخاشگری می‌شود این نوع خودکشی با سه عامل در ارتباط است:

استحکام سیستم‌های ارتباطی و روابط در یک جمعیت معین؛

درجه استحکام این روابط بستگی دارد به قیود داخلی که برای رفتار فرد موجود است؛

قیود داخلی که برای رفتار یکی از افراد جمعیت وجود دارد با موقعیت پایگاهی آنان رابطه‌ای معکوس دارد. برای نمونه این دو معتقدند که میزان خودکشی اشخاص متأهل در مقایسه با افراد غیرمتأهل به سبب اینکه پیوند محکم‌تری با سیستم ارتباطی جامعه دارند کمتر است.^۳

بند سوم: رویکرد داگلاس^۴

طبق نظر داگلاس افرادی که اقدام به خودکشی می‌کنند عموماً الگوی چندی از مفاهیم اجتماعی را که آنان برای رابطه خود با دیگران ساخته‌اند، دارا می‌باشند.

^۱ - Homo duplex.

^۲ - صدیق سروستانی، رحمت‌الله؛ پیشین، ص ۱۵۰.

^۳ - قائم‌مقامی، فرهنگ؛ بیماری‌های روانی و خودکشی، تهران، فرهنگ انسانی، بی‌تا، چاپ اول، ص ۱۷۰.

^۴ - Douglas.

- ۱- خودکشی به عنوان وسیله‌ای برای استحال روح از این دنیا به دنیای دیگر است.
 - ۲- افرادی که اقدام به خودکشی می‌کنند در جستجوی آن هستند که خود جوهری را در این جهان یا جهان دیگر تغییر شکل دهند.
 - ۳- عمل خودکشی ممکن است به عنوان وسیله‌ای برای جلب حس نوع دوستی دیگران صورت گیرد.
 - ۴- اعمال خودکشی ممکن است دارای این معنا و مفهوم اجتماعی باشند که شخص بدین وسیله می‌خواهد دیگران را به خاطر مرگ خودش سرزنش کند و بنابراین مفهوم این گونه اعمال گرفتن انتقام از دیگران است.
 - ۵- خودکشی‌ها ممکن است نشان دهنده الگوهای فرار از مسئولیت‌های زندگی باشند.^۱
- به نظر امیل دورکیم، خودکشی، نمودهایی فردی‌اند که دارای علل اجتماعی می‌باشند. علل واقعی خودکشی‌ها، نیروهای اجتماعی است که از جامعه‌ای به جامعه دیگر، از گروهی به گروه دیگر و از مذهبی به مذهب دیگر فرق می‌کنند. این علل، از گروه برمی‌خیزد نه از فرد. افرادی که خودکشی می‌کنند تصور می‌کنند که در انتخاب مرگ، تابع هیچ چیز جز اراده خویش نیستند، در حالی که در واقع آنها باز یچیه دست نیروهای جمعی‌اند. دورکیم خودکشی را پدیده‌ای اجتماعی می‌داند که اعمال فردی، قادر به توجیه و توضیح آن نیست و به همین سبب خودکشی را حاصل جمع عوامل گوناگون (خانوادگی، اجتماعی، دینی و همه واقعیت‌های اجتماعی) و ناشی از درهم‌ریختن قوالب و از هم پاشیدگی نظام اجتماعی و گسستگی روابط در جامعه و احساس تنهایی و مطرود بودن فرد می‌داند.



بخش سوم: بررسی و شناخت علل و عوامل خودکشی

بند اول: علل اقتصادی خودکشی

شواهد موجود در زمینه آمار خودکشی و اقدام به آن حاکی از روند رو به رشد این پدیده اجتماعی در قرن حاضر بوده که این امر خود زمینه را برای از بین رفتن نیروی انسانی و به

^۱ - قائم مقامی، فرهنگ؛ پیشین، ص ۱۶۱.

عبارتی سرمایه انسانی ملل مختلف که بر اساس ادبیات موجود در حوزه توسعه به عنوان عامل رشد و توسعه قلمداد میشود، فراهم مینماید. لذا، با توجه به نقش اساسی و محوری نیروی انسانی در روند توسعه کشورها، بررسی علل اقدام به خودکشی حائز اهمیت میباشد. علوم مختلف در حوزه علوم انسانی از جمله اقتصاد با توجه به حوزه‌ی خود اقدام به بررسی عوامل موثر بر این پدیده نموده و راهکارهایی را برای مقابله با آن ارائه داده‌اند. عوامل اقتصادی از جمله مهم ترین عواملی تلقی میشود که تاثیر آنها بر خودکشی در اکثر مطالعات صورت گرفته در این حوزه مورد تایید قرار گرفته است.^۱

بند دوم: فقر

یکی از عوامل بسیار مهم در تبیین خودکشی فقر میباشد. در شرایط جامعه نوگرای امروزی فقر مولد تضادهای اجتماعی است. در ادبیات اقتصادی دو نوع فقر وجود دارد: اول، فقر مطلق (کامل) که از طریق خط فقری که به عنوان تأمین حداقل هزینه های لازم در زندگی برای کسب رضایت در تأمین سلامت و بهداشت تعریف میشود، قابل اندازه گیری است. دوم، فقر نسبی که در این حالت فرد حداقل ها را داشته لیکن نسبت به سایر گروههای درآمدی جامعه فقیر محسوب میشود.^۲ تلاش برای تبیین ارتباط فقر و خودکشی بر اساس ارتباط بین عواملی چون سوء تغذیه، خانه مسکونی غیر بهداشتی، ازدحام و شلوغی محل زندگی و ناامیدی در کنار ناتوانی برای غلبه بر این شرایط، بررسی میشود. به عقیده ویلیام بونگر فقر مبنا و اساس انحرافات اجتماعی بوده و مهم ترین علت برای خودکشی نیز فقر

^۱ - مکیان، سید نظام الدین، لطفی، عزت الله، علل اقتصادی خودکشی، سیاست گذاری اقتصادی، ۱۳۹۴، شماره ۱۳، ص ۱۶۲.

^۲ - عنبری، موسی، بهرامی، اردشیر، بررسی آثار فقر و خشونت بر میزان خودکشی در ایران مورد مطالعه: روستاهای شهرستان پل دختر، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۳۸۹، ص ۶۵.

میباشد.^۱ فقر میتواند موجب احساس نابرابری نسبت به دیگران، روحیه ضعیف، منزوی شدن افراد و قطع رابطه با گروه دوستان و مردم و در نهایت خودکشی باشد.^۲

بند سوم: بیکاری

بیکاری یکی از متغیرهای مهم کلان اقتصادی است که همواره مورد توجه سیاست گذاران اقتصادی بوده است. این متغیر به لحاظ تبعات و اثرات منفی اقتصادی - اجتماعی آن حائز اهمیت میباشد. بیکاری از مهم ترین و اثرگذارترین عوامل بر اقدام به خودکشی در مناطق کشور به شمار میرود؛ چرا که بیکاری سبب فقر، نابرابری درآمد، مهاجرت، اختلاف خانوادگی و ... میشود. در برخی از مطالعات نیز عامل بیکاری به عنوان مهم ترین عامل افزایش روحیه انزوا و افسردگی و در نهایت خودکشی شناخته شده است.^۳

بند چهارم: نابرابری اقتصادی

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر خودکشی، نابرابری اقتصادی است. نابرابری اقتصادی عمدتاً از طریق نابرابری درآمدی مورد ارزیابی قرار میگیرد. نابرابری درآمدی نیز بر اساس شاخص هایی چون ضریب جینی، نسبت دهک دهم درآمدی به دهک اول درآمدی و نسبت دو دهک پایانی به دو دهک اول درآمدی تعریف میشود. نکته قابل توجه در تفکیک نابرابری درآمدی (اقتصادی) از فقر نسبی (یا مطلق) آن است که نابرابری درآمدی مربوط به روش توزیع ثروت در جامعه است، در حالی که فقر مقدار کل ثروت را بر اساس تعداد افرادی که درآمدها کمتر از خط فقر باشد نشان میدهد. در یک جامعه با توزیع نابرابر درآمد، شکافهای درآمدی موجب ایجاد انگیزه برای افرادی که در دهک پایین درآمدی هستند میشود تا فکر اقدام به خودکشی در آنها شکل گیرد.^۴



^۱ - قربانی، سهیلا، بررسی علل خودکشی در شهر کرمانشاه بین سالهای ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۸، ۱۳۸۳، ص ۲۵.

^۲ - عنبری، موسی، بهرامی، اردشیر، پیشین، ص ۶۶.

^۳ - تایلر، استیو، جامعه شناسی خودکشی، مترجم: علی موسی نژاد؛ انتشارات اصفهان، ۱۳۸۹، ص ۷۱.

^۴ - مهرگان، نادر، دلیری، حسن، کاربرد استاتاد در آمار و اقتصاد سنجی، انتشارات نور علم، ۱۳۹۲، ص ۲۱.

بند پنجم: صنعتی شدن

صنعتی شدن و تغییرات بخش صنعت از دیگر عوامل موثر بر خودکشی می باشد. صنعتی شدن به عنوان بخشی از فرآیند رشد اقتصادی در سطح کلان مطرح است. اگر چه فرایند صنعتی شدن دارای مزایای متعددی بوده و علاوه بر آن تأثیر رشد صنعتی بر رشد اقتصادی و در نهایت توسعه اقتصادی بر همگان روشن است، لیکن رشد صنعتی می تواند زمینه بروز برخی از مشکلات و پدیده های نامطلوب اجتماعی را نیز فراهم نماید. توسعه ناهمگون صنعتی و افزایش مهاجرت نیروی کار غیر ماهر و نیمه ماهر از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و صنعتی به منظور جستجوی کار، موجب شده که برخی افراد فاقد مهارت کافی همچنان بیکار باقی بمانند. علاوه بر آن پیشرفت روز افزون تکنولوژی و سرمایه بر شدن تکنولوژی موجبات بیکاری برخی دیگر از کارکنان را فراهم نموده است. از این رو، بیکاری می تواند زمینه ی فشار روانی برای افراد بیکار را فراهم نموده و زمینه ساز اقدام به خودکشی باشد. در این خصوص دورکیم افزایش خودکشی را به فرایند نوگرایی و عواملی چون ظهور فردگرایی، شهرنشینی و صنعتی شدن نسبت می دهد.^۱

بند ششم: عوامل محیطی و اجتماعی

عده ای از محققین و پژوهشگران به ویژه جامعه شناسان و روانشناسان اجتماعی و جرم شناسان بیشتر شرایط نامساعد و نامناسب فرهنگی و اجتماعی را مورد توجه قرار می دهند. از منظر آنان عوامل محیطی، خانوادگی و اجتماعی از جمله شیوه های تربیت، جامعه پذیری فقدان یا ضعف ارتباط و پیوندهای اجتماعی و تغییرات عمده در شرایط اقتصادی و پایگاه اجتماعی می تواند موجب ناکامی، ناامیدی و سرخوردگی در فرد شده و زمینه ساز خودکشی گردد.^۲ دورکیم که یکی از جامع ترین و نافذترین تئوریهای اجتماعی خودکشی را

^۱ - Barraclough B, Bunch J, Nelson B, Hundred. (1974). "Cases of Suicide: Clinical Aspects British". Journal of Psychiatry 125: 73-355.

^۲ - پوریوسفی، حمید، بررسی میزان، علل و انگیزه های خودکشی در ایران و جهان، مطالعات علوم اجتماعی ایران (دانشگاه آزاد واحد خلیخال)، پیش شماره ۵، ص ۷۷.



ارائه نموده است، در کتاب مشهور خود «خودکشی» سعی کرد بخوبی نشان دهد که تفاوت در شیوه و میزان های خودکشی، تفاوت در شکل های متفاوت زندگی است. به عقیده دورکیم مشخصات پویایی، فشارها، یگانگی و جذابیت سازمانها و نهادها و گروههای اجتماعی و میزان تعلیق و همانندسازی فردی در رابطه با گروه های اولیه و ثانویه در اجتماع، تعیین کننده گسترده‌گی نوع و انگیزه خودکشی می‌باشد. به عبارت دیگر جامعه است که انسان را تشویق یا وادار به خودکشی، دیگرکشی و یا رفتارهای متعادل می‌نماید و ریشه‌های رفتار خودکشانه عملاً در رفتار متقابل فرد با گروه و جامعه معنی پیدا می‌کند.^۱ در واقع هسته اصلی بحث دورکیم را مفهوم «همبستگی» تشکیل می‌دهد. هر اندازه همبستگی اجتماعی سست گردد و از ارتباط و تعلیق فرد به گروه کاسته شود، او آمادگی بیشتری برای پایان دادن به حیات خود پیدا می‌کند. از طرف دیگر اگر همبستگی از حد تعادل زیادتر شود، نوعی دیگر از خودکشی را موجب خواهد شد، زیرا فرد در چنین ساختاری خود را گرفتار و بدون اراده می‌بیند. بطور کلی به عقیده دورکیم زندگی بدون انسجام و نظم افراد جامعه دستخوش هرچو مرج خواهد شد و به این ترتیب چهار نوع خودکشی را از هم متمایز می‌نماید: خودکشی خودخواهانه و دگرخواهانه که ناشی از افراط و تفریط در انسجام اجتماعی و خودکشی ناشی از نابسامانی اجتماعی و خودکشی قهری که ناشی از افراط و تفریط در نظم می‌باشد.^۲ ذکر این نکته لازمست که بعد از دورکیم تحقیقات زیادی روی خودکشی انجام شده و نظریه‌های گوناگونی ارائه گردیده ولی باید اذعان نمود که هیچ کدام در ارائه نظریه‌ای چنین کامل و فراگیر توفیق نیافته‌اند.



بند هفتم: عوامل روانشناختی

معمولاً در مطالعات روانکاو، روانشناسی و تا حدودی روانپزشکی علاقه و تأکید بر این مطلب است که چرا اشخاص خاصی و تحت تأثیر چه مکانیزمهای درونی اقدام به خودکشی نمایند. از منظر آنها اختلالات ذهنی و ناراحتی‌های روحی-روانی از قبیل

^۱ - Amderson and Smith Suicide: Fact sheet, Wisqars. 2003, p63.

^۲ - تیلور، اسیتو، جامعه‌شناسی خودکشی، ترجمه: ابراهیم انصاری و دیگری، تهران: آوای نور، ۱۳۷۹، ص ۲۶.

اختلالات شخصیتی، خلقی، افسردگی و اضطراب زمینه ساز خودکشی می‌باشند. در کل مطالعات آنها بیشتر بر روی رفتارهای فردی متمرکز شده است که بیشتر انگیزه‌ها و دلایل خودکشی را مورد توجه قرار می‌دهند. بنابراین چنین مطالعات و پژوهش‌ها غالباً می‌توانند شرایط لازم و نه کافی را برای خودکشی مورد توجه قرار دهند. بعنوان مثال اسکیزول عقیده دارد که خودکشی همواره با صوری از اختلالات ذهنی عجین شده است که این اختلالات فقط یک نشانه هستند. فروید خودکشی را بازتاب نوعی پرخاشگری فرد نسبت به شیئی درونی و محبوبی می‌داند که بصورت تردید آمیزی انرژی روانی‌اش را روی آن متمرکز کرده است که این پرخاشگری بسوی خود شخص باز می‌گردد.^۱

بند هشتم: عوامل زیستی

زیست‌شناسی خودکشی مطالب وسیعی را دربرمی‌گیرد: از بررسی ناقل‌های عصبی گرفته تا پژوهش‌های مربوط به ستیزه جوئی، عوامل ژنتیک و سابقه خانوادگی. پژوهش‌های اخیر حاکی از آن است که سروتونین تأثیر آرام بخشی بر روی مغز دارد. کاهش تراز سروتونین در مغز موجب بروز افسردگی، رفتار خشونت‌آمیز و ایجاد تصمیمات ناگهانی در افراد می‌شود. شماری از محققین نیز برای عقیده هستند که ازدیاد شمار گیرنده‌های سروتونین در مغز و بروز نقص در انتقال این ماده، زمینه مساعد را برای خودکشی فراهم می‌نماید. مطالعه بر روی مغز افرادی که خودکشی کرده‌اند هم چنین تحقیقات اخیر در دانشگاه کلمبیا نشان می‌دهد که شمار سلولهای عصبی یا نرونها در کورتکس پری فرونتال این افراد کمتر از افراد عادی است. بررسی‌های ژنتیک نیز نشان می‌دهد که خودکشی دارای الگوهای خانوادگی است. ماریسگزارش کرده است که ۱۱٪ افرادی که در شیکاگو خودکشی کرده‌اند، دارای سابقه ارتکاب در یکی از بستگان درجه اول بوده‌اند.^۲

بند نهم: علل فردی

-بیماری‌های روانی، نظیر افسردگی، خودشیفتگی، روان پریشی یا جنون ادواری؛

^۱ - کاپلان و دیگری، خلاصه روانپزشکی، ترجمه: حسن رفیعی و دیگری، انتشارات نسل فردا، چاپ اول: ۱۳۸۲، ص ۷۸.

^۲ - پوریوسفی، حمید، پیشین، ص ۷۶.

- انحراف جنسی و ظهور خصایل جنس مخالف در فرد؛
- اعتیاد و استفاده از مواد توهم زا یا الکل؛
- بیماری صعب العلاج و عدم تحمل فرد؛
- عدم اعتماد به نفس و توان مبارزه با مشکلات؛
- شکست‌های فردی نظیر افت تحصیلی، شکست در عشق؛
- ضعف ایمان و سستی اعتقادات مذهبی؛
- کمبودها و خلاءهای عاطفی و روانی.^۱

بند دهم: علل خانوادگی

- عدم رضایت از زندگی زناشویی از قبیل: ازدواج‌های اجباری، بارداری اجباری، تعدد زوجات، ازدواج مجدد همسر، عدم تمایل به ادامه زندگی مشترک
- فشارهای نامعقول و بیش از حد والدین و سایر اعضای خانواده بر فرزندان به ویژه دختران؛
- افشای حقایق، شرمساری و هراس از آگاهی خانواده در مورد رابطه دختر و پسر، بارداری نامشروع و ...

- عشق و تمایلات شدید عاطفی و عدم امکان ایجاد رابطه یا ازدواج با فرد مورد علاقه؛
- تنهایی و زندگی انفرادی فرزندان خانواده های تک والد؛
- مرگ والدین یا نزدیکان و مشکلات متعاقب آن؛
- اختلافات خانوادگی، مشاجرات والدین و کشمکش‌های غیر قابل تحمل؛
- مشکلات اقتصادی خانواده و عدم تأمین نیازهای اقتصادی؛
- وجود سوابق خودکشی در خانواده یا فامیل؛

^۱ - شایگان، فریبا، پیشین، ص ۸۵



- روابط خشن، انضباط شدید والدین و عدم ارتباط دوستانه فرزندان و والدین؛
- همسرآزاری و خشونت علیه زنان در کانون خانواده؛
- طلاق و شکست در زندگی و عدم موفقیت در تشکیل خانواده؛
- اختلالات روانی و شخصیتی والدین و تأثیر این اختلالات در خودکشی فرزندان؛
- کمبود محبت یا توجه بیش از حد، از سوی والدین در دوران کودکی؛
- اعتیاد یکی از والدین یا هر دو؛
- تبعیض میان فرزندان، تحقیر و سرزنش آنها و ایجاد عقده های روحی در فرزندان.^۱

بند یازدهم: علل خودزنی

کسی که خودزنی می کند معمولاً نتیجه این است که از یک جا یا برای یک موضوع خاص اصطلاحاً کم آورده است و چون برای آن مورد خاص نتوانسته راه حل مناسبی پیدا کند یا نتوانسته با آن مورد به شیوه منطقی برخورد کند اقدام به خودزنی کرده است. خودزنی در زندان ها عموماً نتیجه مشکلات روانی، اجتماعی و فرهنگی زندانی است. اصولاً خود زندانی کردن افراد می تواند یکی از علل خودزنی باشد چرا که فرد آزادی خود را تا حد بسیار زیادی از دست می هد که معمولاً از دست دادن آزادی باعث ناراحتی های روانی از جمله افسردگی، درماندگی، عزت نفس پایین می شود که این خود مقدمه ای است برای خودزنی زندانیان.^۲ آزار و اذیت و مورد سوءاستفاده قرار گرفتن توسط دیگر زندانیان از دیگر عواملی است که منجر به خودزنی از زندان می شود چرا که وقتی فرد نمی تواند در مقابل این آزار و اذیت و سوءاستفاده از خود دفاع کند دست به خودزنی می زند تا متجاوزان دست از اقدامات خود بردارند. مشکلات خانواده در بیرون از زندان می تواند از دیگر علل خودزنی باشد. وقتی فرد در حبس است به خودی خود تحت فشار روحی و روانی است، حال اگر در بیرون هم مشکلی

^۱ - شایگان، فریبا، پیشین، ص ۸۶.

^۲ - Pattison EM, Kahan J. The deliberate self-harm syndrome. The American journal of psychiatry. 1983,p140.

به وجود آید به ویژه اگر فرد متاهل باشد و نتواند مشکلات خود را مدیریت کند دست به خودزنی می زند. اطاله دادرسی و طولانی بودن مدت بلا تکلیفی از دیگر علل خودزنی در بین زندانیان است زیرا وقتی انسان بلا تکلیف است و نمی داند چه خواهد شد، بیشترین فشار روانی را متحمل می شود. یکی از دیگر از عوامل خودزنی جلب توجه اطرافیان به ویژه مسوولان زندان است. معمولاً بعضی از زندانیان برای رسیدن به مقصود خود، مثلاً برای رفتن به مرخصی یا گرفتن برخی اعتبارات دیگر با خودزنی سعی در جلب توجه و اجبار مسوولان زندان به انجام خواسته های خود دارند و فکر می کنند با این رفتار می توانند به خواسته های خود برسند به عنوان مثال زمانی که یک زندانی تمایل ندارد به اندرزگاه یا زندان دیگر منتقل شود. سابقه خودزنی در زندانی و خانواده اش یکی دیگر از عواملی است که منجر به خودزنی در زندان می شود. معمولاً زندانیانی که سابقه خود زنی دارند یا در خانواده شان سابقه این گونه رفتارها وجود دارد در مواقعی که نمی توانند مسائل و مشکلات خود را به روش صحیح حل کنند، دست به خودزنی می زنند. مرگ یکی از عزیزان نیز از عواملی است که زندانیان در مواجهه با آن در صورتی که سابقه رفتارهای خود آسیب رسان داشته باشند، اقدام به خودزنی می کنند. نحوه رفتار پرسنل زندان هم می تواند یکی از دلایل خودزنی ها باشد. رفتار پرسنل، هم می تواند باعث آرامش زندانی و هم باعث طغیان آن شود. در صورتی که این رفتار مناسب نبوده و با توهین و اهانت به زندانی همراه باشد احتمال خودزنی در بین زندانیان افزایش می یابد.^۱ بنابراین هم زندانیان و هم پرسنل زندان باید آموزش های لازم (به ویژه آموزش مهارت های اساسی زندگی) را ببینند تا بتوانند در مواقع بروز مشکل آن را به شیوه صحیح مدیریت کنند. از آنجا که زندان و جامعه رابطه فیزیکی با هم دارند و از هم تأثیر می پذیرند لاجرم برای بحث در موادی مثل مورد بالا باید هر دو گزینه را با هم در نظر گرفت یعنی ابتدا باید بدانیم چرا افراد در جامعه میل به خودکشی و خودزنی دارند و سپس به بررسی دقیق تر و جزئی تر این موضوع در محلی به نام زندان پردازیم. بی تردید قرن حاضر از بعد مسائل و پیچیدگیهای اجتماعی



^۱ - مهدوی، علی، تعیین رابطه خودزنی و اختلال شخصیت، فصلنامه علمی پژوهشی ابن سینا، دوره ۱۵، شماره ۴، ۱۳۹۲،

می‌توان قرن بحران روابط فردی و اجتماعی نامید که با پیشرفت تدریجی جوامع و صنعتی شدن آنها روابط بین فردی از شکل سنتی به شکل ماشینی درآمد و در این گیرودار، روابط انسانی با پیچیدگی‌های بسیاری روبرو شد که خود مقدمه‌ای برای بروز پیامدهای منفی فردی و اجتماعی گشت. از جمله معضلات این قرن می‌توان به پدیده خودکشی، خودزنی و تمایلات ماز و خیستی (خودآزاری) اشاره کرد که بی‌شک محصول صنعتی شدن جوامع و ماشینی شدن روابط انسانی می‌باشد. به همین خاطر است که شیوع این پدیده به نسبت پیشرفت صنعتی جوامع افزایش می‌یابد. ظاهراً پدیده خودکشی یا خودزنی امری فردی است ولی در مواقع معضلی اجتماعی می‌باشد که مشمول آن فراتر از خود فرد و یا حتی جامعه می‌شود.^۱ آنچه مسلم است این است که عوامل بسیار متعدد و مختلفی در جهت انجام اینکار توسط یک فرد دخیلند و شاید در خیلی از مواقع نتوان علل دقیق یک خودکشی یا یک خودزنی را مشخص کرد اما به هر حال می‌توان تا حد زیادی راجع به این مسأله صحبت کرد. برای بررسی علل خودکشی و یا خودزنی از جنبه‌های مختلفی می‌توان به موضوع نگاه کرد. از جنبه مذهبی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و ... که هر یک به جای خود باید مورد توجه قرار گیرد. کسی که خودزنی می‌کند معمولاً نتیجه این است که از یک جا یا برای یک موضوع خاص اصطلاحاً کم آورده است و چون برای آن مورد خاص نتوانسته به راه حل مناسبی برسد یا نتوانسته با آن مورد درست برخورد کند اقدام به خودزنی و یا خودکشی کرده است. خودکشی و یا خودزنی در زندانها عموماً نتیجه مشکلات روانی، ذهنی، اجتماعی و فرهنگی زندانی است. اصولاً خود زندانی کردن افراد می‌تواند یکی از دلایل خودزنی و خودکشی فرد باشد چرا که فرد آزادی خود را تا حد بسیار زیادی از دست داده است که معمولاً از دست دادن آزادی باعث ناراحتی‌های روانی از جمله افسردگی می‌شود که خود مقدمه بسیار نامناسبی برای خودزنی یا خودکشی می‌باشد. نداشتن اعتماد به نفس کافی، نداشتن عزت نفس، ناامیدی در قبال آینده، شرایط حاد حبس به عنوان مثال تحمل سوء استفاده‌های جنسی و مشکلات قومی و نژادی،

^۱ - طاهری، مجیدرضا، علوم و فنون نظامی نقش عوامل برون سازمانی در خودزنی و خودکشی کارکنان وظیفه، فصلنامه علوم و فنون نظامی، شماره ۲۷، ۱۳۹۳، ص ۶۲.

تفاوت‌های محیط فرهنگی، جدا شدن از محیط خانواده و آشنایان، اجبار به زندگی با فرد غریبه، بلا تکلیفی طولانی مدت، مشکلات خانوادگی، اعتیاد و بیماری در زندان همه و همه می‌توانند از علل اصلی خودکشی و خودزنی در زندان باشند. مورد دیگری که شاید کمتر به آن توجه شود این است که طبق تحقیقات دانشمندان مسأله ژنتیکی هم می‌باشد یعنی بعضی از افراد حامل ژن معیوبی هستند که باعث بیماری افسردگی و آن هم خود مقدمه‌ای برای خودزنی و یا خودکشی است که البته نمی‌شود تمامی موارد خودزنی و یا خودکشی را با این مسأله توجیه کرد بلکه باید به این نکته هم در مواقع لزوم دقت و توجه شود. بیماری افسردگی و یا اضطراب که از آن نام بردیم یک نوع بیماری روانی است که معمولاً در حالت شدید آن فرد تمایل عجیبی به خودکشی پیدا می‌کند و معمولاً افرادی که دارای این بیماری هستند حداقل یک بار دست به این کار زده‌اند و بر مسئولین زندان است که اینگونه افراد را جهت جلوگیری از اقدام به خودکشی باید هر چه سریعتر مورد مداوا و مراقبت‌های پزشکی قرار داد. البته خود زندانی کردن افراد یکی از دلایل ابتلا به بیماری افسردگی است که جهت ابتلای آنان به بیماری افسردگی جلوگیری شود. معمولاً طولانی بودن مدت بلا تکلیفی یا در ابدای شروع محکومیت، خطر خودکشی یا خودزنی را در بین افراد زندانی بیشتر است چرا که وقتی انسان بلا تکلیف است و نمی‌داند «چه خواهد شد؟» بیشترین فشار روانی را احساس می‌کند و بیشترین احتمال خودکشی و خودزنی هم در این مواقع است یا معمولاً در ابدای دوران محکومیت بخصوص در افرادی که برای بار اول به زندان می‌افتند به دلیل عدم آشنائی بیشتر در معرض اقدام به این موارد هستند. از عوامل دیگر خودکشی یا خودزنی البته بیشتر خودزنی جلب توجه اطرافیان و بخصوص مسئولین زندان است معمولاً بعضی از زندانیان برای رسیدن به مطلوب خود مثلاً برای رفتن به مرخصی یا گرفتن برخی امتیازات دیگر با خودزنی سعی در جلب توجه و اجبار مسئولین زندان به انجام خواسته‌های خود دارند. و فکر می‌کنند با خودزنی می‌توانند به خواسته‌های خود برسند به عنوان مثالی دیگر زمانیکه فرد نمی‌خواهد از زنان دیگر منتقل شود. گاهی اوقات فرد برای آوردن مواد مخدر اقدام به خودکشی می‌کند تا بدین وسیله به بیمارستان

^۱ - طاهری، مجیدرضا، پیشین، ص ۶۳.



بیرون از زندان منتقل و طبق هماهنگی قبلی با آشنایان خود اقدام به آوردن مواد مخدر کند که البته این کار بیشتر در زندانیان معتاد ملاحظه می‌شود اما بهر حال یکی از دلایل خودزنی است. آزار و اذیت از دیگر زندانیان دیدن و یا مورد سوء استفاده واقع شدن از دیگر دلایل خودزنی افراد زندانی می‌باشد چرا که وقتی فرد نمی‌تواند درمقابل این آزار و اذیت و سوء استفاده از خود دفاع کند دست به خودزنی می‌کند تا دیگران دست از اقدامات خود بردارند. مشکلات خانواده در بیرون از زندان می‌تواند از دیگر دلایل خودزنی باشد، وقتی فرد در حبس است بخودی خود دارای مشکلات روحی و روانی می‌باشد حال اگر در بیرون هم مشکلی به وجود آید بخصوص اگر متأهل باشد، مشکلات خانوادگی کمر او را خواهد شکست و فرد اگر شخصیت کاملی نداشته باشد دست به خودزنی می‌کند یا حتی بعضی از اوقات افراد برای تحت فشار قرار دادن خانواده خود و تهدید آنها و انجام خواسته‌های زندانی، دست به خودزنی می‌زنند مثلاً اینکه خانواده برایشان مواد مخدر بفرستد یا پول بیشتری به حساب آنها واریز نماید و به همین دلیل دست به خودزنی می‌زنند تا خانواده‌های خود را مجبور به اجابت خواسته‌های خود نمایند. کمبود ارتباط بین فردی، کمبود محبت، کمبود افراد قابل اطمینان برای شنیدن دردهای زندانی، کمبود مشاور روانی و مددکاران برای بیان مشکلات خود از دیگر عواملی است که می‌تواند موجب خودزنی زندانی شود چرا که خیلی از وقتها اگر که یک مشاور دلسوز فقط پای صحبت‌های یک زندانی بنشیند، خیلی از فشارهای روانی‌اش کاسته شده و همین امر باعث جلوگیری کردن از خودزنی توسط وی خواهد شد. عدم توجه کافی به درخواست منطقی زندانی می‌تواند یکی دیگر از دلایل خودزنی وی باشد چرا که بعضی اوقات یک زندانی ممکن است درخواست به جایی داشته باشد اما بهر حال توجه کافی به این مسأله نشود و خودزنی علیرغم تلاش خود به نتیجه‌ای نرسد در اینصورت فرد زندانی آخرین راه را در خودزنی دده و جهت جلب توجه مسئولین زندان دست به این کار خواهد زد. فرار از مجازات و تأخیر مجازات می‌تواند یکی دیگر از دلایل خودزنی باشد مثلاً وقتی فردی در زندان اقدام به کاری کرده است که مسئولین می‌خواهند وی را مجازات نمایند، فرد زندانی برای فرار از مجازات یا تأخیر در اجرای آن دست به خودزنی می‌زند تا به خواسته خود برسد. گاهی اوقات

شخص زندانی برای دچار ناراحتی حاد روانی است و دست به خودزنی و یا خودکشی می‌زند و این اختلال در افراد اسکیزوفرنی به وفور دیده می‌شود که به خود آسیب می‌رسانند و باعث ایجاد دردسر برای مسئولین زندان می‌شوند. یکی دیگر از موارد خودزنی در مواردی است که درگیری به وجود می‌آید و اشخاص ابتدا خود را مجروح می‌کنند و این مورد بخصوص در درگیریهای دسته جمعی داخل زندانها بیشتر دیده می‌شود.^۱ فکر فرار و اقدام برای آن هم می‌تواند یکی دیگر از دلایل خودزنی باشد و فرد با اینکار خود را به بیرون از زندان رسانده و طبق هماهنگی قبلی با آشنایان خود اقدام به فرار نماید. در مورد مسأله خودزنی و خودکشی ذکر یک نکته را لازم می‌دانم و آن میزان اعتقادات مذهبی افراد است و معمولاً هر چه افراد مؤمن تر و با اعتقادتر باشند کمتر به این امر اقدام می‌کنند چرا که خودکشی از منفورترین کارها نزد خداوند است و به شدت در دین مبین اسلام تقبیح شده و البته در ادیان دیگر هم مورد مذمت قرار گرفته است و البته خودزنی و ضربه به خود هم حرام و مستوجب عذاب اخروی شمرده شده است و بر مسئولین زندان است تا حد امکان با انجام کارهای فرهنگی و پرورش اعتقادات مذهبی افراد زندانی در جهت کاهش میزان خودکشی و خودزنی مؤثر باشند. از دیدگاه روانشناسی گرچه تحقیقات گسترده‌ای در مورد مسأله خودکشی و خودزنی صورت گرفته است اما هنوز نمی‌توانیم با توجه به موارد و نشانه‌هایی در افراد دقیقاً بگوییم که فرد خودکشی یا خودزنی خواهد کرد یا نه. البته در دنیای صنعتی امروز و به موازات پیشرفت تمامی جنبه‌های زندگی انسانی به دلیل کم شدن عواطف انسانی کم‌رنگ شدن نقش مذهب در زندگی افراد، از هم پاشیدگی خانواده و میل به سوی ایجاد و گسترش خانواده‌های هسته‌ای (متشکل از پدر، مادر، فرزند) دور شدن عاطفی انسانها از یکدیگر، گسترش تمایلات فردگرایانه، استقلال سریع فرزندان از خانواده، بروز مشکلات فراروان اقتصادی، افزایش توقعات افراد از خانواده و جامعه افزایش شدید شکاف طبقاتی در جوامع و ... همگی منجر به بروز مشکلات روانی در افراد و به تبع آن گسترش میل به خودکشی و خودزنی در افراد جامعه می‌شود پس مسأله خودکشی یا خودزنی یک امر ساده نیست که بتوان به راحتی از کنار آن



^۱ - پورافکاری، نصرت الله، خلاصه روانپزشکی علوم رفتاری، روانپزشکی بالینی، انتشارات شهرآب، ۱۳۷۹، ص ۴۵.

گذشت بلکه مسأله‌ای به شدت پیچیده و عمومی است تحقیقات بسیار وسیعی از طرف دانشمندان راجع به آن صورت گرفته است و البته ماهیت آن دقیقاً مشخص نشده است و البته مسأله‌ای چند بعدی است که برای بررسی آن باید به همه ابعاد و وجوه آن پرداخت. نحوه رفتار پرسنل زندان هم می‌تواند یکی دیگر از دلایل خودزنی‌ها باشد در صورتی که این رفتار مناسب نبوده و با توهین و اهانت به زندانی همراه باشد بنابراین زندانیان و پرسنل زندان جهت انجام مسئولیت‌های خود باید آموزش‌های لازم و تخصصی را ببینند و به علمی مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی و ... آشنایی داشته باشند چرا که رفتار پرسنل هم می‌تواند باعث آرامش زندانی و هم باعث طغیان آن گردد.^۱

بخش چهارم: احکام فقهی و حقوقی اتانازی

در اتانازی یا مرگ از روی ترحم، سلب حیات از یک انسان صورت می‌پذیرد و نظر به اینکه هیچ کس حق سلب حیات از دیگری را ندارد در این مسأله که شخص بیمار، تقاضای پایان دادن به حیاتش را از پزشک و کادر پزشکی دارد و ایشان از روی ترحم و دلسوزی فعل یا ترک فعلی را در جهت تسریع مرگ بیمار انجام می‌دهد تا وی بمیرد، باید بررسی نمود که این امر را می‌توان یک نوع مرگ طبیعی قلمداد کرد یا اینکه به جهت ازهاق نفس می‌توان آن را قتل محسوب کرد؟ مرگی که نتیجه‌ی قتل است با مفهوم واحد ولیکن با واژه‌های مترادف در آثار فقها، حقوقدانان و نیز در قوانین آمده است و از آن جمله است؛ «ازهاق نفس، خارج ساختن روح، لطمه به حیات، سلب حیات، قتل، کشتن و امثال آنها.»^۲ به نظر می‌رسد بیماری که دارای بیماری لاعلاج یا صعب‌العلاج است و پزشک نسبت به او یک فعل یا ترک فعلی را در جهت مرگ او مانند تزریق داروی مرگ‌آور، مرتکب شود. اعمال مجازات قصاص صرفاً در اختیار اولیای دم قانونی است و از دیدگاه اولیای دم انگیزه قاتل در ارتکاب قتل قابل توجه می‌باشد به طور مثال در مواردی که قاتل با تهیه مقدمات طرح و

^۱ - Zlotnick C, Mattia JI, Zimmerman M. Clinical correlates of self - mutilation in a sample of general psychiatric patients. The Journal of nervous and mental disease. 1999,p187.

^۲ - آقای‌نیا، حسین، حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اشخاص، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، تهران، ۱۳۷۸، ص ۴۹.

برنامه‌ریزی پیشین و قساوت قلب اقدام به کشتن مقتول می‌نماید اولیای دم از اعمال مجازات قصاص، کمتر صرف‌نظر می‌کنند اما در جایی که قتل به طور ناخواسته و اتفاقی واقع شده باشد مثل قتل‌های ناشی از نزاع‌های خانوادگی یا درگیری‌های خیابانی که بدون انگیزه قتل است اولیای دم اقدام به اعلام رضایت می‌کنند. چون قتل عمدی علاوه بر جنبه خصوصی واجد جنبه عمومی نیز می‌باشد، بر فرض گذشت اولیای دم قاضی پرونده عملاً با توجه به انگیزه قاتل و میزان اخلاقی که در افکار عمومی ایجاد نموده است اقدام به تعیین مجازات حبس تعزیری می‌نماید.^۱ طبق موازین فقهی و بررسی اقسام قتل، اتانازی را می‌توان قتل عمد قلمداد کرد زیرا بنا بر تعریف فقهی قتل عمد، پزشک یا هر یک از کادر پزشکی با تزریق مواد کشنده یا قطع دستگاه حمایتی از بیمار موجبات مرگ وی را فراهم می‌آورد و این که دو عنصر اساسی در قتل عمد، یکی قصد قتل و کشنده بودن آن فعل نسبت به بیمار در این امر وجود داشته است، خواه با هر انگیزه‌ای که باشد. در نتیجه حکم قتل عمد بر آن می‌شود لذا زمانی که اتانازی، قتل عمدی باشد مرتکب مستوجب قصاص است اما از طرفی بیمار قبل از مرگ خود به پزشک اذن در قتل داده است که وجود اذن قبل از قتل بنا بر نظر مشهور موجب سقوط حق قصاص می‌شود البته عده‌ای از فقها نظر بر عدم سقوط حق قصاص دارند.^۲ بنابراین با قانونی شدن «اتانازی» در کشورهای اسلامی و غیراسلامی حرمت نفس انسان از بین می‌رود و پتانسیلی برای سوءاستفاده به وجود می‌آید و زندگی و حیات ارزش خود را از دست داده و راه برای خودکشی و دگرکشی سفارشی هموار می‌شود و همچنین قبح قتل نفس از میان می‌رود و دیگر هیچ بیمار و سالمندی احساس امنیت نمی‌کند. از طرفی نظر اکثر فقهای معاصر که حکم بر عدم جواز این عمل می‌دهند و آن را قتل عمد می‌دانند و با بررسی اجمالی به عمل آمده در مراجع قضایی ایران موضوعی با عنوان «اتانازی» یا «مرگ از روی ترحم» طرح نشده است. عدم طرح چنین پرونده‌هایی به منزله عدم وقوع چنین قتل‌هایی



^۱ - سپهوند، امیرخان، حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اشخاص، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۸، ص ۷۲.

^۲ - جعفری هرندی، محمد، جبارزاده، فاطمه، بررسی فقهی و حقوقی اتانازی (مرگ از روی ترحم)، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۱، شماره ۲۷، ص ۵۱.

نمی‌باشد چون با اذن بیمار و اولیای وی انجام شده و شکایتی در پی نداشته است و موضوع به مراجع قضایی و انتظامی گزارش نمی‌شود. اسلام نفس انسان را محترم شمرده و برای انسان عزت قائل است، در ارتباط با بیمارانی که درد و رنج طاقت فرسایی را تحمل می‌کنند و یا خانواده‌هایی که نگره‌داری این گونه بیماران برایشان سخت و دشوار است چه از جهت اقتصادی، چه از جهت رسیدگی موجبی برای سلب حیات آنها نمی‌باشد. حکومت اسلامی در قبال مردم خود مسؤول می‌باشد در نتیجه در قبال این بیماران نیز مسؤول است به طور مثال، باید بیمارستان‌های مجهز و مخصوص این بیماران ساخته شود و یا چنین بیمارانی که به لحاظ اقتصادی برای درمان بیماری خویش در تنگنای مالی قرار دارند، تحت پوشش بیمه و خدمات درمانی قرار گیرند تا که شاید این امر مانع حدوث اعمالی قبیح و ناپسند همچون «اتانازی» که نوعی قتل به شمار می‌آید و در پی آن پیامدهای خطرناکی که جامعه را تهدید می‌کند، به وقوع نپیوندد.^۱

بخش پنجم: خودکشی در حقوق کیفری ایران

در باب سوم از قانون مجازات عمومی و در قوانین جزائی دیگر تکلیف قتل عمدی و خطائی تعیین گردیده است. اما قانون جزا در مورد خودکشی سکوت اختیار نموده است. ولی در عین حال مسلم است که خودکشی مخل نظم عمومی بوده و در صورت عدم جلوگیری آن مفاسد اجتماعی فراوانی را به جامعه تحمیل خواهد کرد.^۲ از لحاظ سبقه تاریخی در قانون مجازات در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ شمسی واصطلاحات آن در سال ۱۳۵۲، خودکشی جرم نبود و اساساً راجع به خودکشی، شروع به خودکشی یا معاونت و مشارکت در خودکشی، مجازاتی پیش‌بینی نشده بود. در حال حاضر نیز در قوانین مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ خودکشی یا شروع به آن جرم نیست؛ بنابراین از غیر قابل مجازات بودن خودکشی نباید نتیجه گرفت که سایر صدمات بدنی که کسی به انگیزه خاص، شخصاً به خود وارد می‌کند، مانند آن که عضوی از بدن خود را به منظور فرار از انجام خدمت وظیفه

^۱ - جعفری هرندی، محمد، جبارزاده، فاطمه، پیشین، ص ۵۲.

^۲ - شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد اول، نشر ژوبین، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۲، ص ۵۲.

عمومی ناقص نماید، قابل مجازات نیست، بلکه این قبیل صدمات شخصی بدنی به عنوان عمل مجرمانه، ممنوع و قابل مجازات می‌باشند. قانونگذار ایران، معاونت در جرم را به عنوان جرم مستقل نمی‌شناسد، بلکه از نظریه مجرمیت عاریه‌ای و استعاره‌ای پیروی کرده است، بدین معنی که تحقق معاونت در جرم، منوط به اقدام مجرمانه‌ای است که مباشر جرم مرتکب می‌شود و هرگاه عملی قانوناً جرم تلقی نشود، احراز معاونت در آن هم قابل تصور نیست، معاونت در آن نیز جرم تلقی نشده و فاقد کیفر می‌باشد.^۱ لازم به ذکر است در قوانین کیفری ایران شروع به خودکشی هم جرم نبوده و در خصوص تهدید به خودکشی نیز تهدید به انجام خودکشی در قوانین جزائی جرم نیست مگر آنکه توسط زندانی و در محل زندان صورت گیرد که در این مورد تخلف انضباطی از آئین نامه زندانی تلقی شده و متخلف حسب مورد طبق نظر شورای انضباطی زندان تنبیه یا در مراجع قضائی محاکمه خواهد شد. نکته آخر نیز که در قوانین ایران راجع به خودکشی به آن اشاره شده است ماده ۸۳۶ قانون مدنی ایران، وصیت فرد خودکشی کننده مقرر را معتبر ندانسته و «هرگاه کسی به قصد خودکشی خود را مجروح یا مسموم کند یا اعمال دیگر از این قبیل که موجب هلاکت است، مرتکب گردد و پس از آن وصیت نماید، وصیت در صورت هلاکت باطل است و هرگاه اتفاقاً منتهی به فوت نشد، وصیت نافذ خواهد بود»

بخش ششم: خودزنی در قانون جرایم نیروهای مسلح

مطابق ماده ۵۹ قانون سابق مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۱: «هرکس برای معافیت از خدمت نظام و یا تهدید فرمانده یا رئیس و یا دیگر افراد مافوق، عمداً به نحوی به خود صدمه‌ای وارد کند که مستلزم معافیت از خدمت باشد، علاوه بر انجام خدمت مقرر، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود» و ماده دیگر در ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ است. مطابق این ماده «هر نظامی که برای فرار از کار یا انجام وظیفه و یا ارباب و تهدید فرمانده یا رئیس و یا هر

^۱ - شاکری، ابوالحسن، رستگاری، ماندانا، جرم دعوت به خودکشی در حقوق کیفری ایران، پژوهش حقوق کیفری، سال ۲، شماره ۴، ۱۳۹۴، ص ۱۴۱.



مافوق دیگر یا برای تحصیل معافیت از خدمت و یا انتقال به مناطق مناسب‌تر و یا کسب امتیازات دیگر عمداً به خود صدمه وارد آورد یا تهدید به خودزنی نماید یا به عدم توانایی جسم یا روحی متعذر شود و بنا به گواهی پزشک نظامی یا پزشکان قانونی، تمارض او ثابت گردد و یا در انجام وظایف نظامی بی‌علاقگی خود را در موارد متعدد ظاهر کند، به نحوی که در تضعیف سایر نیروهای نظامی مؤثر باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده به ترتیب زیر محکوم می‌گردد:

الف) هرگاه در مقابل دشمنان باشد، چنانچه عمل وی موجب اختلال در نظم (به هم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد، به مجازات محارب و در غیراین صورت به حبس از دو تا ده سال؛

ب) هرگاه در زمان جنگ باشد و در مقابل دشمنان نباشد، به حبس از یک تا پنج سال؛

ج) در سایر موارد، به استثناء مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود، به حبس از سه ماه تا یک سال

به استناد ماده پنج عناوین تخلف موضوع مواد اشاره در ماده ۱۳۰ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ایراد صدمه به خودزنی، تمارض و بی‌علاقگی به خدمت در موارد ذیل صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌گردد؛

۱. اعلام و اظهار ایراد صدمه به خود
۲. تسهیل شرایط، تعلیم و تحریک دیگران برای ایراد صدمه به خود یا تهدید به خودزنی
۳. تمارض برای عدم انجام امور غیررزمی
۴. تهدید به خودزنی، تمارض در برابر فرمانده، رئیس یا مافوق خارج از سلسله مراتب
۵. تظاهر به بی‌علاقگی به خدمت در موارد متعدد در غیر از شرایط رزمی، جنگی و بحرانی



۶. ایرادد صدمه جزئی به خود به گونه ای که وقفه ای در انجام وظایف روزانه ی وی ایجاد نشود.^۱

بخش هفتم: خود کشی در قانون جرایم رایانه ای

دعوت در اصل، ریشه ای عربی دارد (دع و) و در لغت به معنای خواندن و طلب کردن است.^۲ دعوت کسی به خودکشی لزوماً معاونت در خودکشی نیست، از این جهت که معاونت در جرم در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی تعریف شده است که با هر یک از مفاهیم ترغیب، تطمیع، تحریک، دسیسه، فریب، تهیه یا ساختن وسیله ارتکاب جرم، ارائه طریق ارتکاب جرم و تسهیل وقوع جرم محقق می شود که غیر از دعوت است، بدین معنی که دعوت لزوماً با تحریک شدن مخاطب همراه نیست یا اینکه لزومی ندارد که خودکشی کننده با دعوت تطمیع شده باشد و نیازی نیست که دعوت کننده مضاف بر دعوت کردن با دادن انگیزه های مالی یا مادی، شخص را مصمم به ارتکاب خودکشی کند و حتی لزومی ندارد که این دعوت توأم با اصرار یا تاکید باشد، بلکه صرف دعوت به خودکشی کفایت می کند. با این توصیف می توان هر یک از مفاهیم معاونت در جرم را اخص از دعوت دانست. مهم ترین وجه تمایز دعوت از معاونت در قتل عمدی، در نتیجه و تعاقب آن ها است، به این معنی که زمانی جرم معاونت در قتل واقع می شود که جرم اصلی یعنی قتل عمدی محقق شود، در حالی که در دعوت به خودکشی این چنین نیست که حتماً خودکشی محقق شود. البته دعوت همچون معاونت باید نوعاً موثر باشد. میزان تاثیر دعوت، به اوضاع و احوال و خصوصیات روانی و موقعیت و رابطه دعوت کننده و دعوت شونده بستگی دارد. بنابراین دعوت، مبنی و مسبوق به ارتباط قبلی میان طرفین است و بالبداهه دعوت به خودکشی محقق نمی شود و احراز آن امری موضوعی و موکول به تشخیص قاضی است.^۳



^۱ - ۲۶- سایبانی، علیرضا، رشیدی، جاسم، پی جویی خودکشی از علت شناسی کارآگاهان تا واکاوی در پرتوی قوانین، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۱۳۹۵، سال دوم، شماره ۱/۲، ص ۱۳۶.

^۲ - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه حرف الف، تهران، نشر دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۰۹.

^۳ - سایبانی، علیرضا، رشیدی، جاسم، پیشین، ص ۱۳۸.

نتیجه گیری

خودکشی نوعی قتل نفس همراه با وحدت قاتل و مقتول است. انتحار از دیدگاه اسلام حرام بوده و ادله آن شامل کتاب، سنت و اجماع است و برای مرتکب، کیفر اخروی وعده داده شده است. معاونت در خودکشی نیز از دیدگاه حقوق جزای اسلام، اعانت بر اثم، محسوب می شود و مرتکب آن مستوجب تعزیر است. اما در حقوق جزای ایران، خودکشی و شروع به آن جرم نیست و از آنجا که قانونگذار ایران از نظریه «مجرمیت عاریه‌ای» استفاده کرده است، معاونت در خودکشی هم جرم نبوده و قابل کیفر نیست. قانون جزا در مورد قتل عمدی و خطائی احکامی تعیین کرده است اما این قانون در مورد خودکشی سکوت اختیار کرده است و قاضی تحقیق حق ندارد در مورد علل خودکشی و اطراف و جهات قضیه تحقیق و محرکین انتحار و کسانی که در این قسمت تبانی کرده و یا اینکه وسائل انتحار را فراهم کرده اند بازجوئی و تعقیب کیفری کند. چراکه وضعی که اصل آن از نظر قانون بزه شناخته نشده پس شریک و معاون نیز در صورت جود داشتن قابل تعقیب جزائی نخواهند بود. با اشاره به اینکه خودکشی محل نظم عمومی بوده و در صورت جلوگیری نکردن و سرایت آن، علاوه بر تقلیل نفوس، مفاسد و مضرات اجتماعی زیادی دارد، می توان گفت تمامی ادیان و مذاهب این عمل را نهی کرده و دین مقدس اسلام عذاب جاویدان اخروی برای مرتکب خودکشی در نظر گرفته است. خودکشی گرچه از ضعف نفس و بیماری روحی و تشنجات فکری و جهات دیگری سرچشمه می گیرد اما همانطوریکه مامورین انتظامی باید قبل از وقوع جرم، حتی الامکان از وقوع آن جلوگیری کنند در مورد خودکشی نیز باید تدابیری اتخاذ شود تا این صحنه‌های جگر خراش کمتر نظایری پیدا کند. خودکشی یا خودزنی در قوانین ایران، جرم شناخته نشده است. در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ شمسی واصطلاحات آن در سال ۱۳۵۲، خودکشی جرم نبود و اساساً راجع به خودکشی، شروع به خودکشی یا معاونت و مشارکت در خودکشی، مجازاتی پیش‌بینی نشده بود. در حال حاضر نیز در قوانین جزایی ایران خودکشی یا شروع به آن جرم نیست؛ زیرا اعمال کیفر نسبت به خودکشی کننده، واجد جنبه پیشگیری نیست و هر نوع عکس العمل قانونی، موجب لطمه مادی و معنوی به بستگان وی خواهد بود. در عین حال، سایر



صدمات بدنی شخصی، در صورتی که تئام با مسؤولیت خاص باشد، در مواردی جرم و قابل مجازات است. بنابراین از غیر قابل مجازات بودن خودکشی نباید نتیجه گرفت که سایر صدمات بدنی که کسی به انگیزه خاص، شخصاً به خود وارد می‌کند، مانند آن که عضوی از بدن خود وارد می‌کند، مانند آن که عضوی از بدن خود را به منظور فرار از انجام خدمت وظیفه عمومی ناقص نماید، قابل مجازات نیست، بلکه این قبیل صدمات شخصی بدنی به عنوان عمل مجرمانه، ممنوع و قابل مجازات می‌باشند. قدام فرد در خودزنی منجر به جرح با نیت اعتراض به وضعیت موجود و فرار از مقررات و شرایط سخت خدمتی و یا رسیدن به هدف مشخص انجام می‌گیرد و در این شکل، جرم محسوب می‌شود. قانونگذار با تصویب قانون جرایم رایان‌های در سال ۱۳۸۸ دعوت به خودکشی را جرم انگاری نمود. مطابق با این قانون، برای اینکه دعوت به خودکشی جرم باشد، باید منحصرأ از طرق سامانه‌های رایانه‌ای، مخابراتی و حامل‌های داده به عمل آید. در دعوت به خودکشی، روش خودکشی موضوعیت ندارد و تفاوتی ندارد که خودکشی با روش مورد نظر دعوت کننده محقق شود یا نشود. دعوت به خودکشی مقید به نتیجه نیست، هر چند برای تحقق آن سوءنیت خاص که متضمن قصد خاص دعوت به خودکشی باشد ضروری است. پیمان خودکشی چنانچه متضمن دعوت به خودکشی با ابزارهای رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده باشد جرم است. دعوت مشروط نیز دعوت به خودکشی است. برگشت از دعوت نمی‌تواند موجب زوال جرم شود.



منابع و مآخذ

منابع فارسی

آقای‌نیا، حسین، حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اشخاص، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، تهران، ۱۳۷۸.

استونز، راب؛ متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، مهرداد میردامادی، تهران، مرکز، ۱۳۸۸، چاپ ششم.

پورافکاری، نصرت الله، خلاصه روانپزشکی علوم رفتاری، روانپزشکی بالینی، انتشارات شهرآب، ۱۳۷۹.

پوریوسفی، حمید، بررسی میزان، علل و انگیزه های خودکشی در ایران و جهان، مطالعات علوم اجتماعی ایران (دانشگاه آزاد واحد خلیخال)، پیش شماره ۵.

تیلور، اسیتو، جامعه‌شناسی خودکشی، ترجمه: ابراهیم انصاری و دیگری، تهران: آوای نور، ۱۳۷۹.

جعفری هرندی، محمد، جبارزاده، فاطمه، بررسی فقهی و حقوقی اتانازی (مرگ از روی ترحم)، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۱، شماره ۲۷.

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه حرف الف، تهران، نشر دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷.

سالارزاده، نادر، خودکشی دورکیم، انتشارات دانشگاه علامه، ۱۳۹۳.

سایبانی، علیرضا، رشیدی، جاسم، پی جویی خودکشی از علت شناسی کارآگاهان تا واکاوی در پرتوی قوانین، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۱۳۹۵، سال دوم، شماره ۱/۲.

سپهوند، امیرخان، حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اشخاص، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۸.



- شاگری، ابوالحسن، رستگاری، ماندانا، جرم دعوت به خودکشی در حقوق کیفری ایران، پژوهش حقوق کیفری، سال ۲، شماره ۴، ۱۳۹۴.
- شاه پوری، حمید رضا، رفتارهای خودزنی و وسواس گونه در بیماران مبتلا به اختلال شخصیت مرزی، پزشکی قانونی، ۱۳۸۵، شماره ۴۱.
- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد اول، نشر ژوبین، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۲.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله؛ آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، سمت، ۱۳۸۷، چاپ دوم.
- طاهری، مجیدرضا، علوم و فنون نظامی نقش عوامل برون سازمانی در خودکشی کارکنان وظیفه، فصلنامه علوم و فنون نظامی، شماره ۲۷، ۱۳۹۳.
- عنبری، موسی، بهرامی، اردشیر، بررسی آثار فقر و خشونت بر میزان خودکشی در ایران مورد مطالعه: روستاهای شهرستان پل دختر، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۳۸۹.
- کاپلان و دیگری، خلاصه روانپزشکی، ترجمه: حسن رفیعی و دیگری، انتشارات نسل فردا، چاپ اول: ۱۳۸۲.
- قائم‌مقامی، فرهنگ؛ بیماری‌های روانی و خودکشی، تهران، فرهنگ انسانی، بی‌تا، چاپ اول.



